

Factors of Disregard for Children's Emotional Needs and its Treatment Solutions

*Mehri Imani**

Level 4 student of family jurisprudence, professor of the seminaries of the sisters of Karaj, jurisprudence and principles and Arabic literature, Al-Zahra University, Qom

Email: babajoon990@gmail.com

Abstract

Nowadays, the issue of education and recognition of the damages caused by wrong education is one of the main concerns of committed parents. Proper education of children is very important due to their mental and physical sensitivities. Parents of children, as the most influential people in the child's life, need to be fully aware of the basic needs of the child and try to meet those needs. One of the most important needs of a child is emotional need, one of its examples is the need for affection, peace, security. Parental disregard for emotional needs will have undesirable effects on the child's personality during childhood and adulthood, such as fear, mistrust, rotation, lack of confidence and negligence are some of these undesirable effects that affect a person's childhood and adulthood. Parents who live in their educational methods of extremes, violence, discrimination and comparison, impatience and time to talk and play children with this kind of behavior that show themselves to be an effective factor in causing these problems. Therefore, it is necessary for parents to learn and use principles in their educational style. Principles such as teaching and strengthening religious beliefs, observing justice, positive thinking, understanding parents' behavior, patience and tolerance, by applying these codes of behavior, meet their emotional needs and provide them with a life full of peace and security.

Keywords: Emotional needs, Parents, Affection, Solutions, Injuries.

*. Date of Reception: 2019/04/08, Date of Acceptation: 2019/08/16

عوامل بی‌توجهی به نیازهای عاطفی کودکان و راهکارهای درمان آن

مه‌ری ایمانی*

طلبه سطح ۴ فقه خانواده، استاد حوزه های علمیه خواهران کرج، فقه و اصول و ادبیات عرب،

جامعة الزهراء (س)، قم

Email: babajoon990@gmail.com

چکیده

امروزه مسئله تربیت و شناخت آسیبهای ناشی از تربیت غلط یکی از دغدغه های اصلی والدین متعهد می‌باشد. تربیت صحیح کودکان با توجه به حساسیت های روحی و جسمی آنان از اهمیت بالایی برخوردار است. والدین کودک به عنوان اثرگذارترین افراد در زندگی کودک لازم است از نیازهای اساسی کودک آگاهی کامل داشته و سعی خود در برآورده کردن آن نیازها به کار بگیرند. یکی از مهم ترین نیازهای کودک نیاز عاطفی می‌باشد، از مصادیق آن می‌توان به نیاز به محبت، آرامش، امنیت اشاره کرد. بی‌توجهی یا کم توجهی والدین به نیازهای عاطفی، آثار نامطلوبی را در دوران کودکی و بزرگسالی در شخصیت کودک از خود به جای خواهد گذاشت؛ آثاری چون ترس، بی اعتمادی، پرخاشگری، عدم اعتماد به نفس و اضطراب مواردی از این آثار نامطلوب است که دوران کودکی و بزرگسالی فرد را تحت الشعاع خود قرار می‌دهند. والدینی که در روش تربیتی خود از افراط و تفریط، خشونت، تبعیض و مقایسه، بی‌حوصلگی و زمان نگذاشتن برای هم صحبتی و بازی کودکان زندگی را سپری می‌کنند با این نوع رفتاری که از خود نشان می‌دهند عامل مؤثری در به وجود آمدن این مشکلات می‌باشند. لذا لازم است والدین اصولی را در شیوه تربیتی خود بیاموزند و آن را به کار بگیرند. اصولی چون آموزش و تقویت باورهای دینی، رعایت عدالت، مثبت اندیشی، تفاهم رفتاری پدر و مادر، صبر و مدارا، با به کار بستن این اصول رفتاری نیازهای عاطفی فرزندان خود را برطرف کرده و زندگی سرشار از آرامش و امنیت را برای آنها فراهم کنند.

کلیدواژه: نیازهای عاطفی، والدین، محبت، راهکارها، آسیب‌ها.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۵.

مقدمه

دوران کودکی یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین دوران زندگی انسان است، توجه به نیازهای کودک در این دوران و فراهم کردن بستری مناسبی برای تربیت کودک آثار خوبی را در دوران کودکی و بزرگسالی بر شخصیت کودک دارد. یکی از نیازهای اصلی کودکان نیاز عاطفی است. منظور از عاطفه همان احساسات و خواسته‌های درونی است که آثار آن در رفتار و شخصیت افراد به صورت محسوس دیده می‌شود. در قرآن کریم به‌طور ضمنی در آیات متعددی از این نیاز عاطفی سخن به میان آمده، حضرت‌المعصومین (علیهم‌السلام) در روایات خود صریحاً به این نیاز و اهمیت آن اشاراتی داشته‌اند همین‌طور روان‌شناسان و جامعه‌شناسان هم در آثار خود مصادیقی از نیازهای عاطفی کودکان را نام برده و به والدین توصیه داشته‌اند با به کار بستن اصولی مهم تلاش خود را به کار ببرند تا پاسخگوی نیازهای عاطفی فرزندان باشند.

ضرورت برآورده کردن نیازهای عاطفی خیلی بیشتر از فراهم کردن دیگر نیازهاست. زیرا بی‌توجهی به این مسئله زندگی کودک و والدین او را با آسیب‌های جدی مواجه می‌کند که اثرات آن چه بسا سالهای طولانی باقی باشد. و در مواردی علاوه بر خانواده برای جامعه نیز مشکلاتی را به وجود می‌آورد. لذا لازم است که والدین آموزشهای لازم را جهت نحوه صحیح تربیت با کودکان بیاموزند و با به کار بستن آنها از پدید آمدن این مشکلات جلوگیری کنند.

فرضیه

یکی از مهم‌ترین نیازها در دوران کودکی نیاز عاطفی است که بی‌توجهی به این مسئله آثار سوئی در دوران کودکی و بزرگسالی بر زندگی و شخصیت فرد از خود به جای می‌گذارد.

سوالات

۱. نیازهای عاطفی کودکان چیست؟
 ۲. عوامل بی‌توجهی به نیازهای عاطفی کودکان کدامند؟
 ۳. بی‌توجهی به نیازهای عاطفی در دوران کودکی و بزرگسالی چه آثاری از خود به جای می‌گذارد؟
 ۴. چه راهکارهایی برای درمان بی‌توجهی به نیازهای عاطفی وجود دارد؟
- در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی به بحث و بررسی پرداخته شده است.

نیازهای عاطفی کودکان

انسان موجودی چند بعدی است و دارای نیازهای گوناگونی می‌باشد یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان نیاز

عاطفی است که برآورده شدن این نیاز در دوران کودکی از اهمیت بالایی برخوردار است. نیازهای عاطفی، نیازهای روانی است که ارتباط نزدیکی با شخصیت بیرونی انسان دارد که از مصادیق آن محبت، هم‌صحبتی، آرامش و امنیت و... می‌باشد.

مهم‌ترین نیازهای عاطفی با توجه به آنچه از مطالب جمع‌آوری شده می‌توان ذکر را بیان می‌کنیم.

نیاز به محبت

یکی از مهم‌ترین نیازهای عاطفی و روانی کودک در محیط خانواده، مهر و محبت است (قلی زاده کلان، ۱۳۷۷) کمبودهای عاطفی کودکان، صدمات جبران‌ناپذیری به آینده آنان وارد می‌سازد. کودک باید احساس کند که او را دوست دارند و همان طوری که هست او را قبول دارند این احساس کودک باعث حس خودارزشی او می‌شود و از طرفی حس ایمنی و نیاز عاطفی کودک ارضا می‌گردد. تحقیقات نشان می‌دهد که ریشه بسیاری از ناسازگاری‌های دوران جوانی و بزرگسالی از دوران کودکی آنان نشأت می‌گیرد. اگر پدر و مادر بتوانند با رفتار و کردار خویش، نیازمندی‌های عاطفی کودکان خود را برآورند، مسلماً در بزرگسالی از شخصیت سالمی برخوردار می‌شوند. محبت و به‌ویژه ابراز آن در همه مراحل و هم‌دلی با فرزندان، نقش بسیار مهمی در تربیت عاطفی آنان دارد. والدینی که با فرزندشان محبت شدید و هم‌دلی دارند، می‌توانند احساس سرخوردگی احتمالی فرزند را از نتایج توصیه‌های خود و چگونگی ارتباط خود با فرزندان کشف کرده و برای یافتن راه حلی که برای هر دو قابل قبول باشد، کوشش کنند. به عبارت دیگر، والدینی که با احساسات فرزند خود هم‌دلی می‌کنند مایل و قادرند که به‌طور سازنده به سمت مطلوب حرکت کنند و زمینه ارتباط مطلوب و مؤثر با فرزندشان را فراهم کنند به همین دلیل است که پیامبر بزرگ اسلام (ص) می‌فرماید: «وقروا کبارکم و ارحموا صغارکم؛ بزرگسالان خود را احترام گذارید و نسبت به کودکان خویش ترحم و عطف‌ت نمائید (صدوق، ۱۴۰۴، ص ۱۶۳). امام صادق (ع) می‌فرماید: ان الله لیرحم العبد لشدة حبه لولده؛ خدا والدین را به دلیل دوست داشتن و محبت به فرزند، مشمول رحمت گسترده خود می‌کند. (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۶، ص ۵۰)

اهمیت مسئله محبت به فرزندان آن‌چنان بالاست که خداوند این رفتار را در زمره بهترین اعمال معرفی کرده است: امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: حضرت موسی (ع) از خداوند پرسید: خدایا، برترین اعمال نزد تو کدام است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا من آنها را بر فطرت توحید خود آفریدم و اگر آنها را بمیرانم، همه آنها را، به رحمت خود، به بهشت داخل می‌کنم. (طبرسی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۴۷)

از طرفی کسانی که از این محبت بویی نبرده باشند در نظر اهل بیت (علیهم السلام) به دور از رحمت الهی هستند. از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: مردی خدمت حضرت رسول (ص) رسید و گفت: هرگز کودکی را نبوسیده‌ام؛ وقتی آن مرد بازگشت پیامبر خدا (ص) فرمود: این کسی است که در نظر من از اهل آتش است. (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۱۳)

از آن جایی که کودک تجارب اولیه خود را از محیط خانواده کسب می‌کند، ادراکات و تعبیرات او در پی کسب این تجارب، طرح ریزی می‌گردد. و تجارب دوران بعد که شباهت‌هایی به تجارب اولیه دارد، با آنها ارزیابی می‌شود. این انتقال روش و سلوک افراد، که از روابط خانوادگی سرچشمه می‌گیرد و بعداً به افراد دیگر منتقل می‌شود، در ارتباط با دیگران تأثیر به‌سزائی دارد. اگر والدین از حساسیت عاطفی بهره کافی نداشته باشند، کودک از راه تقلید و ساختار همانند سازی، خویشتن را همانند پدر و مادر می‌کند و ناخودآگاه از رفتار آنها تقلید می‌کند.

در ابراز محبت به کودکان از چند طریق می‌توان اقدام کرد: (شاملی، ۱۳۸۳)

ابراز رفتاری: از قبیل روی زانو نشانیدن، در آغوش گرفتن، بوسیدن، سواری دادن و بعضی وقتها کنار کودکان خوابیدن، هدیه دادن، بازی کردن و بر سر آنها دست نوازش کشیدن است که در بسیاری از روایات مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در این زمینه روایاتی از معصومین (علیهم السلام) وجود دارد که بر این مطلب تأکید دارد: رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ابراز عواطف و علاقه نشان‌دادن والدین به فرزند را در ارتقاء درجات بهشتی مؤثر دانسته و می‌فرماید: قبله اولادکم فان لکم بكل قبله درجة فی الجنة مسیرة خمسماً عام؛ فرزندان خود را بوسید که برای هر بوسه‌ای که به فرزندان می‌زنید، یک درجه در بهشت خواهید داشت که فاصله هر درجه تا درجه دیگر به اندازه پانصد سال راه است. (طبرسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۲۰)

در تعبیر دیگری نگاه عاطفی و مهربانانه والدین به فرزندان را عبادت دانسته و فرموده‌اند: «نظر الوالد الی ولده حبا له عبادة؛ نگاه پدر و مادر به فرزند از روی مهر و محبت، عبادت است. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۷۰)

هدیه‌دادن، از امور پسندیده‌ای است که آثار مثبت و ارزنده‌ای را در روابط عاطفی بر جای می‌گذارد. به دلیل اثر مثبت هدیه بر عواطف انسانی است که حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: اگر یکی از شما به مسافرت رفت، هنگام بازگشت تا جاییکه در توانش است، برای خانواده‌هاش هدیه‌های بیاورد (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۳۳۷) چنین تعاملی، باعث افزایش علاقه بین والدین فرزندان‌شان می‌گردد؛ زیرا افراد علاقه و محبت درونی‌شان را به وسیله هدیه‌دادن به همدیگر ابراز می‌دارند که در نوع خود با ارزش و در خور توجه است و در رشد شخصیت مطلوب عاطفی آنان مؤثر است (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۵، ص ۱۴۴) - ابراز گفتاری ابراز گفتاری شامل، کلمات محبت آمیز است که در روایات زیاد مورد تأکید قرار گرفته است. امیرالمؤمنین (ع) هرگاه می‌خواستند با فرزندان‌شان، به ویژه در سنین پایین سخن بگویند، از واژه «یا بُنّی» استفاده میکردند که حاکی از مهرآمیز بودن و نشان دادن مهر درونی به فرزندان بود.

نیاز به هم صحبتی

از آن جایی که انسانها موجوداتی هستند یکی از تمایلات آنها سخن گفتن و شنیدن از دیگران می‌باشند و این نیاز در دوران کودکی برای اکثریت کودکان وجود دارد. کودکان علاوه سخن گفتن با دیگران تمایل دارند با کسانی

صحبت کنند که آنها را درک کنند و در سطح فهم و اندیشه آنها با آنها هم سخن شوند. به همین دلیل برای برقراری این ارتباط علاوه بر کسانی که هم سن و سال او هستند با افراد بزرگسال که بتوانند این نیاز را برآورده کنند ارتباط عمیقی دارند.

نیاز به هم‌صحبتی در هر مرحله از مراحل رشد کودکان و نزدیک شدن به دنیای آنان و هم‌زمانی با ایشان هرچند دشوار است، ولی امری است ضروری که لازم است برای دستیابی به آن تلاش شود، چنانکه رسول خدا(ص) فرموده است: هر کسی کودکی دارد، باید با او کودکانه رفتار کند (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۲۰۳). این سخن بیانگر حقیقت درک دنیای فرزندان در هر مرحله و رفتار مناسب آن مرحله را رعایت کردن است. این امر مختص به دوران کودکی نیست و هر مرحله ای از زندگی فرزندان اقتضای رفتار مناسب آن دوران را دارد.

از آن جایی که هم‌صحبتی یک تعامل دو طرفه است، اگر این عمل از طریق والدین صورت گیرد، والدین متوجه ساخته‌های فرزند خود می‌شوند و می‌توانند معارف و حقایقی را از همان کودکی به آنها بیاموزند.

نیاز به احترام

یکی از مواردی که مطلوب همه انسانهاست و از نظر سنی هیچ تفاوتی میان افراد وجود ندارد، تکریم و احترام گذاشتن به افراد است. همه دوست دارند که با آنها برخوردی محترمانه و کریمانه صورت گیرد، به همین دلیل افرادی را دوست دارند که بیشتر حرمت‌ها را حفظ کنند و به افرادی که اهل اکرام و احترام نیستند، تمایلی نشان نمی‌دهند. این ادب رفتاری از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی در روایت به صراحت به آن اشاره شده است.

اسلام تکریم فرزند را وظیفه همگانی دانسته است. رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است: اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم؛ لازم است که فرزندان خود را اکرام کنید و برخوردهای خود را با آنان نیکو کنید. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۶۸)

کودکی که در خانواده مورد بی‌احترامی واقع شود، در رفتارش مقابله به مثل خواهد کرد و دیگر پذیرای سخنان و آموزشهای والدین نخواهند بود. امام صادق (ع) می‌فرماید: معمولاً انسانهایی که دچار خودبزرگبینی، کبر و زورگویی میشوند؛ به خاطر احساس خودکم‌بینی است که در خود دارند. (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۳۱۲)

از دیگر آسیب‌هایی که در اثر بی‌احترامی می‌توان مشاهده کرد، نفاق و دو رویی است. کودکی که با او محترمانه برخورد نشود برای اثبات خود ناچار می‌شود تا چهره واقعی‌اش را پنهان کند. شخصی که ظاهر و باطنش با هم خیلی فرق میکند، به خاطر ذلت و خودکم‌بینی است که در خود می‌یابد. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: نفاق، ناشی از احساس ذلت و خودکم‌بینی است. (آمدی، ۱۳۷۳، ص ۷۲۳)

شیوه‌هایی برای تکریم و احترام به کودک در دین اسلام وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

به استقبال رفتن: پیامبر در برخورد با حسن و حسین (علیهما السلام) و نیز دخترشان حضرت فاطمه، بزرگوارانه رفتار می‌کردند. ایشان هنگام ورود کودکان پیش پای آنان برمی‌خاستند و به استقبال آنان می‌رفتند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۷، ص ۷۱)

سلام کردن: در همین زمینه روایتی از امام رضا (ع) نقل شده که رسول خدا می‌فرمودند: خمس لا أدهن حتی الممات... و التسليم علی الصبیان لیكون سنّه من بعدی؛ پنج تا سنت و رفتار است که تا دم مرگ آنها را ترک نمی‌کنم تا پس از من میان مردم سنت و منش ماندگار شود. (طباطبایی، ۱۳۷۵، ص ۴۲)

اجازه گرفتن: روش سازنده دیگر این که اگر قرار است حقی را از کودکی بگیریم باید برای گذشتن حق آنان را در جریان قرار داده و از آنان اجازه بگیریم.

دعوت کردن و اجابت کردن دعوت کودکان: راه دیگر احترام گذاردن این است که دعوت کودکان را برای شرکت در جلسات آنان بپذیریم و از آنان نیز برای شرکت در میهمانیها دعوت کنیم.

عیادت کردن: اگر کودکان بیمار شدند از آنان عیادت کنیم و به دیدنشان برویم صدا زدن محبت آمیز: هنگامی که میخواهیم یکی از آنان را صدا بزنیم، با احترام و با نامهای مهرآمیز صدایشان بزنیم.

نیاز به بازی

بازی و سرگرمی برای کودکان یک خصیصه طبیعی به حساب می‌آید و زمینه رشد جسمانی و روانی آنها را فراهم می‌کند وقتی کودک در بازی های گروهی شرکت می‌جوید، روحیه تعادل و خویشتنداری او تقویت می‌شود و از تجربیات و لیاقت دیگران استفاده می‌کند و بر توانایی های شخصی خویش می‌افزاید. حضور بزرگترها - هرچند به مدت محدود - در این بازی ها، بها دادن به شخصیت کودک به حساب می‌آید. برخی از بازی های خوب ممکن است باعث انتقال برخی از رفتارهای پسندیده و مسائل تربیتی شود. اسلام به این نیاز طبیعی کودکان توجه جدی دارد. انمه اطهار (علیهم السلام) علاوه بر اینکه کودکان را در بازی کردن آزاد می‌گذاشتند، خود نیز در بازی های آنان شرکت می‌کردند.

بازی برای کودک جدی‌ترین موضوع حیات و بستر رشد و تکامل اوست. دوران بازی کودک دوران شکوفایی استعدادهای او از طریق بازی است از این رو توصیه شده به کودکان خود اجازه بازی بدهید؛ چرا که عرامة الصبی فی صغره زیاده فی عقله فی کبره؛ بازی‌گوشی کودک در کودکی مایه فزونی عقلش در بزرگسالی است. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۸۱)

امام صادق (ع) در اهمیت بازی کودکان می‌فرماید: دع ابنک یلعب سبع سنین و یؤدب سبع سنین؛ فرزندان را هفت سال رها بگذار تا بازی کند و (پس از آن) هفت سال او را تعلیم و تربیت کن. (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۱۹۴)

روانشناسان معتقدند، بازی کودکان پیش‌تمرین و روش آماده شدن برای زندگی واقعی است. کودکان فراز و نشیبهای زندگی واقعی، احساسات، عواطف و حتی آموزشهایی را که باید در زندگی واقعی داشته باشند، درون بازی یاد می‌گیرند و تجربه میکنند. بازی موجب می‌شود که کودکان بتوانند انرژی متراکم و باقی مانده در روان خودشان را تخلیه کنند و عواطف و احساسات خود را از این راه ابراز کنند.

بازی موجب می‌شود که بچه‌ها وارد حوزه فعالیت بزرگترها شوند و در شکلی کودکانه واقعیتها و هنجارهای زندگی واقعی را تجربه کنند. همانندسازی، الگوگیری و بسیاری از آموزشها و پرورشها به نحو غیر مستقیم، از راه بازی فراگرفته می‌شود. امام کاظم (ع) می‌فرماید: کسانی در بزرگسالی عجول، شتابزده و بی‌ظرفیت هستند که در کودکی به اندازه کافی بازی نکرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۰، ص ۳۶۲)

در رابطه با بازی کودکان چند مسئله وجود دارد که باید به آن اهمیت داد: (یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۱-۱۹۵) الف: هم سطحی و شرکت در بازی کودکان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به منظور رقابت انگیزی میان کودکان خود، مسابقه دو و کشتی برگزار میکرد. یکی از پیامدهای بازی کودکان و از عوامل ایجاد لذت و شادی در بازیها، پیدا شدن رقابت میان کودکان است. همچنین، حضرت پیامبر (ص) در برخورد با کودکان، آنقدر خودشان را پایین می‌آوردند تا بچه‌ها بتوانند با ایشان مثل یک دوست رفتار کنند و حتی به عنوان هم بازی، از ایشان تقاضای بازی کنند. در این مرحله به چند روایت اشاره میکنم:

ب: سوق تدریجی کودکان از بازی به دنیای واقعی از آنجا که بازی نقش چشمگیر و اجتناب ناپذیری در فرایند رشد کودکان و نوجوانان دارد حتی پس از هفت سالگی هم نباید به‌طور ناگهانی بازی را از زندگی فرزندان حذف کرد. کودکان و نوجوانان، کم‌کم باید از بازی به دنیای واقعیها سوق داده شوند. ج: توجه به شخصیت و خواسته کودکان در بازیها باید با رضایت و تصمیم خود، وارد یک بازی شوند و با رضایت و تشخیص خود، از آن بازی خارج شوند. نباید آنان را به زور به بازی خاصی وادار کرد یا به زور آنان را از بازی خارج نمود.

د: نیاز کودکان به بازی در طبیعت و بازیهای طبیعی هیچ وقت تلاش نکنیم که کودکان را از بازیهای طبیعی یا بازی در طبیعت باز داریم. پدر و مادرها دوست دارند که بچه‌ها همه جا، حتی در زمان بازیها خیلی مرتب و تمیز باشند؛ درحالی که شیرینی و نظم بازی، در بی‌نظمی است. یکی از یاران نبی اکرم (ص) به نام سهل بن سعد می‌گوید: رسول خدا بر گروهی از کودکان گذشتند که خاکبازی میکردند. یاران پیامبر که با حضرت بودند، دیدند که لباس و دستهای کودکان کثیف شده است. گفتند: بچه‌ها بروید خانه هایتان تا تمیزتان بکنند. پیامبر فرمود: بچه‌ها را رها کنید. بهار و گلستان زندگی آنان خاک است. (هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۱۵۹)

نیاز به امنیت

تامین امنیت و میدان دادن به کودکان، برای ابراز تواناییها و خواسته‌ها، در دوران کودکی بسیار حائز اهمیت

است. کودکان نیاز دارند تا احساس امنیت را در زندگی خود تجربه کنند. محیط امن یعنی محیطی که سرشار از انرژی‌های مثبت است و در آن، اعضای خانواده برای یکدیگر ارزش قائل هستند و هوای همدیگر را دارند. در چنین فضایی، هر عضو از خانواده اجازه ابراز وجود دارد و حرف‌های همه اعضا به خوبی شنیده می‌شود. در محیطی امن، تضادها و اختلافات، زندگی و آرامش افراد را به نابودی نمی‌کشاند بلکه همه چیز به شیوه‌ای سازنده حل و فصل می‌شود. در چنین محیطی، کودک احساس آرامش می‌کند و مطمئن است که حرف‌هایش شنیده می‌شود، سرکوب نخواهد شد و برای ابراز عقاید و احساساتش آزاد است. محیطی امن و آرام، شخصیتی قوی و بانشاط از کودک می‌سازد که او را برای حضوری سالم و موثر در جامعه آماده می‌کند.

کودکی که در محیط زندگی اش احساس امنیت و آرامش دارد، فضای زندگی خود را متناسب و ایده آل می‌بیند، با روحیه اعتماد، تکیه به ارزش‌های وجود خویش و اطمینان از اطرافیان، بهتر می‌تواند استعدادهای درونی خود را به ظهور برساند. در زندگی آینده سردرگم نمی‌شود و اطرافیان هم با مهربانی، بهتر می‌توانند استعدادهای وی را پرورش دهند.

کودکان برخوردار از امنیت خاطر، سلیقه‌های درونی و ابتکار و خلاقیت‌های درونی خود را بروز می‌دهند و علاوه بر آن، نیازها و خواسته‌ها و هنجارهای درونی را بسیار صادقانه با والدین در میان می‌گذارند و در محیط آموزشی، بسیار سریع و مطلوب به وسیله آموزه‌های دینی و تربیتی موفق می‌شوند.

از نگاه روانشناسان، تأمین امنیت دارای دو لایه زیرین و رویین است. لایه زیرین، اصل حضور فیزیکی والدین است. لایه روئین، چگونگی برخورد با کودکان است. برخوردهای پدر و مادر باید به گونه‌ای باشد که بچه‌ها خانه و خانواده خود را یک پناهگاه امن به حساب آورند و حرف‌هایشان را بتوانند در جمع مطرح کنند. بنابراین، والدین نباید به خاطر کوچکترین لغزشی، آنچنان فرزندان را مورد پرخاشگری قرار دهند که همه قابلیت‌ها و توانایی‌هایش از یاد برود.

یکی از مهم‌ترین راههای تأمین امنیت، داشتن وقت مشترک خانوادگی است. وقت مشترک خانواده، زمانی است که همه اعضای خانواده پس از انجام همه مسئولیت‌هایی که بیرون خانه داشته‌اند، زمان مشترکی را در نظر می‌گیرند تا بتوانند در ارتباط مشترک با هم باشند. در وقت مشترک، افراد خانواده از فکر یکدیگر استفاده می‌کنند و از لحاظ عاطفی با هم تعامل برقرار می‌کنند، این جمع خانوادگی، نباید به گونه‌ای تنظیم شود که صرفاً یکی از اعضای خانواده، سخن بگوید بلکه هر یک از اعضا، باید به اندازه خودش سخنی بگوید و اگر سخنی نمی‌گویند، از آنها چیزی پرسیده شود تا آنان به حرف بیایند و درونشان را بیرون بریزند. (شاملی، ۱۳۸۳)

یکی از نکات مهمی که هر خانواده جهت ایجاد امنیت باید دقت نظر داشته باشد. امنیت جنسی برای فرزندان است. امروزه متأسفانه برخی از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه شیوه‌ای را در پیش گرفته‌اند که از همین کودکی سلامت جنسی فرزندان خود را به خطر انداخته‌اند. و چه بسا افرادی با نوع تفکر آزاداندیشانه غربی به این مشکلات دامن زده‌اند. که در این چند سال اخیر نمونه‌ای از این بی‌بند و باری تربیتی را در سند ۲۰۳۰ شاهد بوده ایم که حتی در

برخی از مهدکودکها و مدارس به صورت علنی و غیرعلنی اجرا شده است. که باآموختن مسائل جنسی زودتر از زمان خود، سبب شده‌اند روح لطیف کودکانه به سمتی سوق پیدا کند که حتی بستری از نظر جسمی برای آن فراهم نشده است چه رسد به این که احساسات و عواطف او درگیر این مسائل گردد.

این نوع تفکر در برخی ازسریالها و برنامه های تلویزیونی نیز مشاهده می‌شود و کودکان بدون کنترل والدین، چیزهایی را می‌بینند و می‌شنوند که امنیت روحی و جنسی آنها را به خطر می‌اندازد.

کوتاهی برخی از والدین و بی‌توجهی در حدی است که کودکان ممیز با گذراندن ساعتها، عمر خود را صرف دیدن تصاویر و فیلمهای مستهجن در فضای مجازی کرده و از همین کودکی با قوه خیال خود، عالم لطیف کودکی را تیره ساخته اند.

نکته بعدی این که برخی از والدین گاهی اوقات رفتار زناشویی و مقدمات آن را به بهانه این که کودک متوجه این مسائل نمی‌شود در برابر دیدگاه کودک انجام می‌دهند، غافل از آن که این کارها بر تمایل و گرایش کودکان به گناه و بزهکاری جنسی اثر می‌گذارد

توجه کردن به آداب مسائل جنسی، آموختن به هنگام مسائل جنسی و مراقبت والدین در این زمینه به اندازه ای اهمیت داشته که در متون دینی برای پیشگیری از تحریکات جنسی کودکان و انحرافات جنسی سفارشات را از معصومین (علیهم السلام) داریم.

در روایات توصیه هایی به والدین شده است که از جمله آنها، جداسازی بستر خواب کودکان از یکدیگر و از پدر و مادری باشد. امام صادق(ع) در این باره می‌فرمایند: وای بر آن پدر و مادری که با فرزند یا فرزندان خود هنگام آمیزش هم اتاق می‌شوند. سوگند به خدایی که جانم در دست او است؛ اگر هنگام آمیزش پدر و مادر، نوزاد آنان را در این حال ببیند و گفتار آنان را بشنود و حتی صدای نفس آنان را بشنود، هرگز به رستگاری نمی‌رسد و هنگام بزرگی به انحراف جنسی کشیده می‌شود. پدر و مادر این نوزاد، کسی جز خود را در این باره سرزنش نکنند. (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۵، ص ۵۰۰)

نیاز به مشارکت و در جمع بودن

احساس مشارکت داشتن در برنامه‌ها و مسائل مختلف یک نیاز عاطفی بسیار مهم است. بخشی از یک جمع بودن برای همه انسان‌ها خوشایند و ضروری است. باید تلاش کرد این نیاز عاطفی کودک را جدی گرفت و به او احساس مشارکت و اجتماعی بودن داد. هر قدر میزان فعالیت‌ها و برنامه‌های گروهی بیشتری با اعضای خانواده باشد، این احساس بیشتر در کودک شکوفا می‌شود. باید کاری کرد که کودک احساس کند در بازی زندگی خانوادگی، او هم نقش دارد و حضورش مهم و معتبر است.

بسیاری از افراد، فکر می‌کنند که کودکان به دلیل سن کمی که دارند، حق اظهار نظر ندارند یا نباید آنچه را می‌خواهند و می‌گویند کاملاً جدی گرفت. چنین دید اشتباهی باعث می‌شود تا کودک سرخورده شود و عقده‌های مختلفی در وجودش شکل بگیرد. همه دوست دارند که نظرات‌شان شنیده شود و استقلال روحی و فکری‌شان از سمت دیگران پذیرفته شود. پس باید کودکان را دست‌کم نگرفت و به دید فردی کاملاً مستقل و منحصر به فرد به آنها نگاه کرد.

حضور کودکان در جمع دیگران، زمینه پرورش آنها در ابعاد گوناگون اخلاقی و اجتماعی را فراهم می‌کند. آنان را به برنامه‌های تربیتی شیفته و علاقه مند می‌کند و به آن جهت می‌بخشد، با فرهنگ مباحثی و تربیتی بزرگترها، آشنا شوند و تمایل به کارهای نیک پیدا کنند. بدین وسیله، زمینه‌های تربیتی در آنها به رشد کافی و لازم می‌رسد.

در فرهنگ دینی اهل بیت (علیهم السلام) زنان و کودکان دارای جایگاه به سزایی بودند. به کودکان آن چنان بها داده می‌شد که حتی برای استجابت دعا در مجالس و مناسبت‌ها کودکان را واسطه برای جلب رحمت خدا قرار می‌دادند. امام صادق (ع) فرمود: کان ابی علیه السلام اذا احزنه امر جمع النساء و الصبیان ثم دعا و امنوا؛ پدرم هر گاه غمگین می‌شد زنان و کودکان را جمع می‌کرد و دعا می‌کرد و آنها آمین می‌گفتند. (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۱۸۴)

عوامل بی‌توجهی به نیازهای عاطفی کودکان

در رابطه با عوامل موثر در برآورده کردن نیازهای عاطفی کودکان خانواده و محیط جامعه هر دو سهم هستند.

عوامل خانوادگی

محیط خانواده، اثرگذارترین محیط در تربیت فرزندان می‌باشد که پدر و مادر به عنوان ارکان اصلی خانواده با روش تربیتی خود عامل موثری در فراهم کردن نیازهای فرزندان هستند. والدین در نحوه ارتباط با فرزندان به سه گروه تقسیم می‌شود: مقتدر، دیکتاتور، آسان‌گیر (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۸۵-۸۸)

والدین مقتدر: کسانی هستند که انتظارات و خواسته‌های روشنی از فرزند خود دارند و به او ابراز محبت می‌کنند. والدین مشکلات را با انعطاف پذیری و به‌طور مشترک به همراه فرزند خود حل می‌کنند. این روش موثرترین شیوه تربیت فرزند است

والدین دیکتاتور: والدینی هستند که انتظارات و خواسته‌های روشنی دارند اما عاطفه کمتری نسبت به فرزند خود نشان می‌دهند والدین آسان‌گیر: این گروه از والدین، کسانی هستند که محبت بیش از حدی به فرزند خود نشان می‌دهند و برای تربیت او تلاش زیادی نمی‌کنند.

بهترین شیوه تربیتی شیوه مقتدرانه است که اسلام هم بر این شیوه تاکید دارد. و خروج از این شیوه تربیتی سبب

افراط یا تفریط در تربیت می‌شود، که یکی از آسیب‌های آن بی‌توجهی به نیازهای عاطفی کودکان است. از جمله مصادیق آنها می‌توان به برخی از ویژگیها و خصوصیات والدین در این زمینه اشاره کرد.

تضاد رفتاری والدین و عدم تفاهم آنها

والدین باید در رفتار خود برای ابراز محبت، برقراری ارتباط و واگذاری مسئولیت به فرزندشان اتفاق نظر داشته باشند و با توافق یکدیگر، قوانینی برای تربیت فرزند در نظر بگیرند و اجرایی کنند. نبودن تفاهم میان والدین در رفتارهای تربیتی، سبب بروز آسیب‌های جبران‌ناپذیری به فرزندان می‌شود. ناهماهنگی رفتاری والدین باعث می‌شود که فرزندان در به‌کارگیری مهارت‌های اجتماعی ضعیف عمل کنند و از برقراری روابط نزدیک با دوستان و هم‌سالان به خاطر ترس از مواجه شدن با نقص‌ها و کمبودهای خود، پرهیز کنند.

بی‌تردید آسیبی که فرزندان از ناهماهنگی رفتار تربیتی والدین می‌بینند، بیش از آسیبی است که از روش غلط تربیتی یکی از والدین می‌بینند. تفاهم نداشتن پدر و مادر در موضوعات و شیوه‌های تربیتی فرزند، باعث خدشه‌دار شدن اقتدار آن‌ها در نظر فرزند می‌شود و فرزند نمی‌تواند حقانیت و منطقی بودن توصیه‌های پدر و مادر را باور کند.

والدین باید یک الگوی تعاملی تربیت واحد داشته باشند. این مسئله در نظام فکری و اعتقادی والدین ریشه دارد. هر اندازه اعتقادات والدین به یکدیگر شبیه باشد، رفتار تربیتی‌شان نیز شباهت بیشتری خواهد داشت. رفتارهای تربیتی متضاد والدین در روش سخت‌گیرانه یا سهل‌گیرانه، موجب به هم خوردن نظام جسمی و روانی فرزندان می‌شود که به بررسی برخی از مهم‌ترین این پیامدها می‌پردازیم. (بابایی و علی‌اکبری، ۱۳۹۸)

پیامدهای تضاد رفتاری والدین در شخصیت فرزندان

تضاد در انتخاب الگو: والدین همواره الگوی اخلاقی، رفتاری و حتی کلامی فرزندانشان هستند؛ چه بسا فرزندان به رشد فکری لازم نرسیده باشند و دچار غفلت، تشخیص اشتباه و یا بهره‌گیری از الگوهای متضاد شوند. بنابراین الگوی تربیتی والدین، یکی از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین روش‌های یادگیری و اجتماعی شدن فرزندان در تربیت عاطفی و مطلوب دینی است. سادگی و بی‌آلایشی روحی، پاک‌سرشت و انگیزه فرزندان و گرایش شدید آنان به انتخاب الگو در زندگی سبب می‌شود آن‌ها در اولین گام، پدر و مادر را الگوی خود قرار دهند. حال اگر پدر و مادر نتوانند الگوی شایسته‌ای برای فرزندان باشند یا روابط عاطفی میان آنان استحکام نداشته باشد، اثرهای نامطلوبی نیز بر شخصیت فرزندان‌شان خواهند گذاشت.

قانون‌گریزی: توافق نداشتن والدین در روش تربیتی فرزندان، سبب می‌شود فرزندان در بزرگسالی به افراد قانون‌گریز تبدیل شوند. برای مثال پدری فرزندش را از بازی با تلفن همراه منع می‌کند و مادر در غیاب پدر برای رسیدگی به کارهای خود، اجازه می‌دهد که فرزندش با تلفن همراه بازی کند. نتیجه این ناهماهنگی تربیتی میان

والدین، ایجاد این تصور اشتباه که هر نوع ممنوعیتی غیر قابل اجتناب نیست.

تضعیف اقتدار پدر: والدین متعادل، مقرراتی برای تربیت فرزندشان دارند و هر دو برای اجرای آن قوانین با یکدیگر همکاری می‌کنند. در چنین خانواده‌هایی معمولاً پدر با اقتدار رفتار می‌کند و مادر با همراهی خود، جایگاه پدر را مستحکم می‌کند؛ اما گاهی اوقات مادران با رفتار متضاد تربیتی، ناخواسته موجب شکاف عاطفی بین پدر و فرزندان می‌شوند. اگر خانه عنصر مقتدر نداشته باشد، بچه‌ها از محبت مادرانه سوءاستفاده می‌کنند و اگر عنصر اقتدار، بر عنصر محبت مادر غلبه کند، بچه‌ها به‌طور طبیعی به بیرون از خانه و جمع دوستان پناه می‌برند. اجرایی شدن قوانین تربیتی پدر در خانه و حفظ حرمت پدر و تشکر از زحمات او موجب اقتدار پدر در خانه می‌شود. این در حالی است که اگر خلاف آن صورت گیرد، دیگر پدر اقتداری نخواهد داشت.

پرخاشگری: در خانواده‌هایی که معمولاً پدر سخت‌گیر و مادر سهل‌گیر است، عموماً نوعی دیکتاتوری حاکم است؛ یعنی معمولاً پدر حاکم بر رفتار دیگران است و مادر رفتاری متضاد با پدر دارد. پدر مستبد و سخت‌گیر در امور فرزندان، اهمیتی به خواسته‌های آنان نمی‌دهد و اغلب فرزندان از حقوق خاص خود بی‌بهره‌اند. در این صورت فرزند نیز با توسل به پرخاشگری می‌کوشد موانعی را که پدر ایجاد کرده است، از میان بردارد. فرزندان که درگیر رفتار متضاد سخت‌گیرانه پدر و سهل‌گیرانه مادر هستند، افرادی عصبی هستند که برای حقوق دیگران، احترام قائل نمی‌شوند.

اضطراب: در محیط خانواده‌هایی که پدر و مادر رفتار متضاد دارند، فرزندان همواره با ترس و اضطراب درگیرند؛ زیرا شخصیت، خواسته‌ها و احتیاجات آن‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد. فرزند در چنین خانواده‌ای احساس امنیت نمی‌کند، هدف از انجام برخی کارها را نمی‌داند، مجبور است نظم و انضباط تحمیلی را رعایت کند و جرأت نمی‌کند دلیل رفتارها را پرسد. او مجبور است کورکورانه آنچه را که والدین خواسته‌اند، انجام دهد. او می‌ترسد تنبیه شود؛ بنابراین مجبور می‌شود کارهایی را که دوست ندارد، انجام دهد. او در این خانواده هرگز احساس امنیت نمی‌کند؛ زیرا در هر صورت بازنده میدان است و این مسئله سبب افسردگی و اضطراب او می‌شود؛ اضطرابی که نه تنها فقط یک بیماری، بلکه منشأ بسیاری از دردهاست و در بسیاری موارد، زمینه‌ساز برخی از بیماری‌های روانی است. فرزندان که در چنین خانواده‌های نامتعادلی تربیت می‌شوند، اعتماد به نفس پایینی دارند و نمی‌توانند در اجتماع حضور خوبی داشته باشند و به موفقیت‌های مورد نظرشان برسند.

کم رنگ شدن حضور والدین در خانه

کودکان نیاز به ارتباط و هم صحبتی با والدین خود دارند اما والدینی که در اثر طلاق بین آنها و فرزندانشان فاصله افتاده، توان برآورده کردن این نیاز را ندارند. دسته دیگری از والدینی که حضورشان در خانه کم رنگ هست والدین شاغل می‌باشند. متأسفانه امروزه علاوه بر پدر، مادران نیز در خارج از فضای خانه به اشتغال می‌پردازند در برخی موارد زمان حضور مادران در خانه خیلی کمتر از زمانی است که بتوانند پاسخگوی نیازهای عاطفی کودکان

خود باشند. و حتی بر فرض گذاشتن زمانی برای ارتباط به علت خستگی مفرط و بی‌حوصلگی نمی‌توان وظیفه خود را به درستی انجام دهند.

بچه‌ها در سنین پایین نیاز روحی بیشتری به مادران دارند. وجود مادر بیشتر از پدر می‌تواند به موفقیت کودک کمک کند. کودک در بین سنین ۳ الی ۱۱ سال زمان بیشتری را باید با مادران صرف کند. در این حین روحیات مادر در رفتار کودک نفوذ خواهد داشت. مادران خسته و یا نا امید حالت عاطفی خود را به کودک منتقل می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سطح درآمد و میزان تحصیلات والدین می‌تواند در روند مرخصی مادر پس از زایمان تاثیر بگذارد. به نحوی که حضور مادر با آرامش در روزهای نخست زندگی کودک می‌تواند روابط سالم بین فرزند و مادر ایجاد کند و این سبب موفقیت‌های آتی برای کودک است. علاوه بر مادر، کودکان برای پاسخگویی به نیازهای عاطفی خود به محبت پدرانه نیز احتیاج دارند. بنابراین با وجودی که وظیفه پدر فراهم کردن رفاه مادی و تامین زندگی است، این مسئله نباید باعث شود که پدران از رسیدگی به نیازهای عاطفی خانواده غافل شوند.

مطالعات جدید بر روی نوزادان همین چند روز پیش به اطلاع جامعه پزشکی رسید نشان می‌دهد کودکانی که وقت بیشتری را با پدران خود می‌گذرانند از نظر بدنی سالم تر و قوی تر هستند. در این تحقیق ۷۱۵ نفر مادر که به تنهایی از فرزند خود نگهداری می‌کردند مورد بررسی قرار گرفتند. محققان متوجه شدند نوزادانی که حداقل دو و نیم روز را طی ماه با پدران خود می‌گذرانند به پدرها شبیه تر شده و سالم تر بودند.

عدم مهارت والدین در تربیت کودک

برخی از ویژگیهای اخلاقی مانند افراط و تفریط در تربیت، تبعیض بین فرزندان، مقایسه کردن با دیگران، تنبیه بدنی و زبانی خصوصاً در میان جمع، تحقیر و سرزنش و ملامت کردن و تمسخر کودک، برخورد با خشونت، جدی نگرفتن خواسته‌ها و احساسات او از اموری هستند که نیاز به آموزش علمی و عملی در تربیت کودک دارند که با توجه به شرایط و زمان و مکان و حتی جنسیت کودکان متفاوت هستند.

اعتیاد والدین به مواد مخدر و مشروبات الکی

والدینی که اعتیاد شدید به مواد مخدر و مشروبات الکی دارند از آن جایی که استفاده از این مواد سبب آسیب های جسمی و روانی در فرد می‌شود، این گونه والدین شایستگی تربیت فرزندان را به نحو صحیح ندارند و علاوه بر این که نتوانند از کودکان خود در برابر آسیب‌ها محافظت کنند، چه بسا مشاهده شده است که برای به دست آوردن کمترین منفعت در اثر عدم تعادل روحی و روانی فرزندان خود را قربانی کمترین خواسته‌ها می‌کنند. کودکان در این خانواده دائماً در اضطراب و نگرانی به سر می‌برند و چون با والدین این افراد در اجتماع رفتاری مناسبی نمی‌شود همیشه احساس حقارت می‌کنند. این احساس حقارت سبب می‌شود که یا نسبت به خانواده خود کینه و کدورت به دل داشته باشند یا افرادی با اعتماد به نفس پایین در اجتماع ظاهر شوند.

بیماری‌های روانی درمان نشده

در والدینی که از افسردگی، اختلال اضطراب، اختلال دو قطبی یا بیماری‌های روانی دیگری رنج می‌برند، علاوه بر این که ممکن است در مراقبت از خودشان هم مشکل داشته باشند، در رابطه با فرزندان هم با مشکل مواجه می‌شوند و نمی‌توانند نیازهای آنها را برطرف کنند. والدینی که دارای بیمار روانی یا آسیب دیده ممکن است احساس انزوا و دوری از خانواده داشته باشد و از فرزندان خود دور باشد. یا سریع عصبانی شود بدون اینکه دلیل آن را بفهمد. معالجه فرد مراقبت کننده به معنای مراقبت بهتر از کودکان است.

عواملی محیطی

محیط اجتماعی که کودک در آن پرورش می‌یابد در نحوه تربیت عاطفی کودک خیلی موثر است. از آن جایی که انسان با افراد مختلف و انواع متفاوت تربیتی در اجتماع مواجه می‌شود، تعامل با این افراد در شخصیت و روحیات انسان اثر گذار است. به عنوان مثال اگر کودک با افرادی در مدرسه یا مهد کودک یا حتی مهمانی‌ها دوست شود از نوع تکلم و رفتار او چیزهایی را می‌آموزد که ممکن است برخلاف اصول تربیتی و اخلاقی باشد، همین طور اگر با کودکانی که اهل تمسخر و تحقیر و بد دهانی هستند ارتباط داشته باشد علاوه بر آموزش از آنها، اگر کودکی حساس باشد در روحیات او اثرگذار است و این رفتار ممکن است موجب انزوا و گوشه گیری او شود. یا این که در مواردی کینه به دل بگیرد و حتی در صدد انتقام برآید.

متأسفانه در اجتماع علاوه بر کودکان شاهد رفتارهای ناشایست از سوی بزرگسالان هم می‌توان بود. و این افراد گاهی تحت عنوان معلم و مربی در اجتماع ظاهر می‌شوند و با شیوه‌های ارتباطی چون تحقیر و سرزنش و تنبیه و اخم کردن عواطف کودک را خدشه دار کرده و در دوران کودکی و چه بسا حتی در بزرگسالی او را با مشکلاتی مواجه می‌کنند.

در جامعه علاوه بر انسانها، ابزارها و وسایل ارتباط جمعی و فضاهای مجازی در این عصر تربیت کودکان را به صورت مستقیم و غیرمستقیم به دست گرفته اند. بنابراین بر والدین لازم هست که بر نحوه استفاده کودکان نظارت داشته باشند.

دیدن فیلم‌های پر از خشم و خشونت و آکنده از مسائل غیراخلاقی امنیت روحی و روانی بسیاری از کودکان را به خطر انداخته و متأسفانه بعضی از والدین برای این که وقت آزاد تری برای رسیدن به خواسته‌های خود داشته باشند، کودکان را در این محیط آزاد و رها ساخته اند. و بدتر از آن این که برخی از والدین به تماشای این گونه فیلمها در حضور کودکان می‌پردازند. غافل از آن که این صحنه‌ها علاوه بر این که متناسب با سن کودکان نمی‌باشد، برای آنها آموزشهایی زود هنگام تر از سن آنها دارد.

این آموزشهای زود هنگام کودکان و خانواده را با آسیب‌های جدی روحی و روانی مواجه می‌کند. نمونه‌هایی از

این آسیب‌ها خشونت‌هایی است که در این سنی که سن لطافت روحی است می‌توان در دختران و پسران خردسال مشاهده کرد. همچنین از نظر اخلاقی متاسفانه جامعه با بلوغ زودرس فرزندان مواجه می‌شود و از نظر تربیتی با عناد و لجبازی و بی‌حرمتی با والدین خود رفتار می‌کنند.

آثار بی‌توجهی به نیازهای عاطفی کودکان

با توجه به نیازهای عاطفی ذکر شده هر گونه کوتاهی و بی‌توجهی به این نیازها سبب می‌شود که آثار سوئی در جسم و روح کودک به وجود آورد. برخی از این آثار را می‌توان در دوران کودکی در رفتار و شخصیت کودک مشاهده کرد و برخی از این آثار حتی در زمان بزرگسالی در فرد نمایان می‌شود.

از آثار بی‌توجهی به نیازهای عاطفی در دوران کودکی می‌توان به مواردی چون؛ افسردگی، اضطراب، بی‌توجهی، بی‌تفاوتی، عدم پیشرفت، بیش‌فعالی، پرخاشگری، پایین بودن عزت نفس، بیماری زیاد، بدخلقی، خشونت، بی‌اشتهایی، کمبود خواب، اجتناب از حضور در جمع دوستان و اجتماع اشاره کرد.

فردی که در دوران کودکی به نیازهای عاطفی او پاسخ مناسبی داده نشده در بزرگسالی با مشکلات جسمی و روحی مواجه خواهد شد که عمده‌ترین آنها این موارد می‌باشند: اختلال استرس پس از سانحه، افسردگی، عدم تأمین نیاز عاطفی دیگران، اختلال در خوردن غذا، صمیمیت و وابستگی بیش از حد به دیگران، احساس پوچی، ضعف در نظم و انضباط احساس گناه و شرم، عصبانیت و رفتارهای پرخاشگرانه، عدم اعتماد به دیگران.

راهکارهای درمان بی‌توجهی به نیازهای عاطفی کودکان

از آن جایی که والدین عنصر مهمی در تربیت کودکان می‌باشند برای این بتوانند نیازهای عاطفی کودکان را به نحو احسن برآورده سازند لازم است اموری را به عنوان اصل تربیتی در زندگی خود قرار دهند تا با مشکلات ناشی از آسیب‌های عاطفی فرزندان مواجه نشوند. که در زیر به این اصول اشاره می‌کنیم.

تقویت باورهای دینی والدین

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده (پاک‌نیا، ۱۳۸۴) بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که گروه‌های مذهبی، کمتر دچار بحران‌هایی مانند بحران هویت می‌شوند؛ زیرا دین، میل کمال‌جویی و خیرخواهی افراد را اشباع می‌کند و این امر، به کاهش بسیاری از انحراف‌های اجتماعی و اخلاقی منجر می‌گردد. در قرآن و روایات مسایلی عقایدی مورد توجه قرار گرفته است، زیرا عقاید زیرساخت مسایل دیگر اعم از اخلاق و احکام است. از این رو است که لقمان فرزندش را به توحیدباوری فرا خواند: **وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ**؛ به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می‌کرد - گفت: پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است. (لقمان: ۱۳)

اعتقاد داشتن به باورهای دینی و پایبندی به آنها سبب می‌شود که والدین به نیازهای فرزندان دقت کنند و تمام تلاش خود را در مسیر تربیت صحیح به کار برند. از آن جایی که مسئله تربیت از مهم‌ترین و حساس‌ترین مسائل است در این مسیر از خداوند و اهل بیت (علیهم السلام) استمداد می‌جویند تا آنها را در این مسیر کمک کنند.

از نقش ارزنده دعا نباید غفلت ورزید چرا که در خواست اصلاح و راهنمایی برای فرزندان از درگاه حق تعالی آثار و برکات فراوانی در زندگی آنان دارد. امام سجاده(ع) در دعای ۲۵ صحیفه سجاده برای تربیت صحیح و اصلاح رفتار فرزندان خویش اینگونه دعا می‌کند: اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَيَّ بَقَاءٌ وَلَدِي وَبِأَصْلَاحِهِمْ لِي وَبِأَمْتَاعِي بِهِمْ؛ وَاجْعَلْهُمْ إِبْرَارًا اتَّقِيَاءَ بَصْرَاءَ سَامِعِينَ مَطِيعِينَ لَكَ وَلَا وَلِيَاءَكَ مَحَبِّينَ مَنَا صَحِيحِينَ وَلِجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مَعَانِدِينَ وَمَبْغُضِينَ، آمِينَ؛ خدایا با بقای فرزندانم و اصلاح آنان و برخورداری من از آنان بر من منت بگذار. آنان را از نیکوکاران، پارسایان، تیزبینان، شنوای سخن حق و اطاعت کنندگان از خودت قرار ده و برای اولیای خودت عاشقان خیرخواه و از برای تمام دشمنانت آنان را ستیزه جو و کینه ورز گردان، خدایا دعایم را بپذیر. (صحیفه سجاده، دعای ۲۵)

والدین علاوه بر تقویت ایمانی خود وظیفه دارند از همان دوران کودک فرزند خود را با حقایق و معارف اهل بیت آشنا کنند و به او بیاموزند که در برابر سختیها با توکل بر خدا و توسل بر اهل بیت (علیهم السلام) می‌توان بر بسیاری از مشکلات فائق آمد.

والدین باید کودک را از همان آغاز زندگی به تعالیم دین آشنا کنند و موازین مذهبی را به آنان بیاموزند و هم به آن‌ها تفهیم کنند که سعادت در پذیرش راه قانون، شرع و ایمان به آن‌هاست و این شیوه در تربیت اسلامی مطرح و مورد نظر است در ضمن آموزش این گونه مسائل، باید آنان به تمرین اراده بپردازند. والدین باید کاری کنند که اراده‌شان نیرومند و قوی باشد. با هر دعوتی تسلیم نشوند و به هر امر و دستوری خود را نبنزند.

چه بسیار افرادی که تن به بزهکاری می‌دهند و یا مرتکب جنایت‌هایی می‌شوند و اگر مذهب در آنان قوی باشد می‌تواند این بزهکاری را تحت کنترل درآورد و در مسیر درست این انرژی مصرف شود. (قائمی امیری، ۱۳۶۶، ص ۲۳۵)

در روایات بر این مسئولیت و حق والدین تاکید فراوانی شده است امام سجاده(ع) آموزش و پرورش دینی فرزندان را، از جمله حقوق فرزندان بر والدین می‌داند و می‌فرماید: و إِنَّكَ مَسْتَوِلٌ عَمَّا وَلِيْتَهُ بِهِ مِنْ حَسَنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رِبِّهِ وَ الْمَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ، فاعمل فی أمره عمل من یعلم أنه مثاب علی الإحسان إلیه، معاقب علی الإساءة إلیه؛ و تو در برابر کسانی که عهده دار سرپرستی آنان هستی، در پیشگاه خداوند مسئولی که آنان را به درستی ادب کنی و به خداوند رهنمون‌شان باشی و راه اطاعت از خداوند را به آنان نشان دهی. پس به هوش باش که در آموزش و پرورش آنان سخت بکوشی و بدانی که بر آموزش و پرورش درست آنان پاداش و بر گمراه ساختن شان کیفر خواهی شد. (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۱۷۵)

متأسفانه در عصر حاضر، برخی والدین، به تعلیم آموزه‌های دینی فرزندان خویش اهمیت نمی‌دهند و برای یادگیری مهارت‌های مختلف زندگی مادی برای کودکان و نوجوانان خویش هزینه بسیاری می‌کنند، اما نسبت به نهادهای معارف دینی و معنوی آنان، کم‌توجه یا بی‌تفاوت‌اند، در حالی که این مسئولیت تا جایی اهمیت دارد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از والدینی که از این وظیفه کوتاهی کنند، یا مانع از تربیت صحیح فرزندان شوند اظهار بیزاری کردند و فرمودند: وای بر حال فرزندان آخر الزمان! به خاطر پدران و مادرانشان! از ایشان پرسیده شد: آیا از پدران و مادران مشرک آنان؟! حضرت فرمودند: نه، از پدران و مادران مؤمنان آنان که هیچ چیز از احکام و واجبات دینی را به آنان نمی‌آموزند و اگر فرزندان هم چیزی آموختند، پدران و مادران مانع می‌شوند. در برابر، از آنان در دنیا به سرمایه‌ناچیزی راضی هستند و من از چنین پدران و مادرانی بیزارم و آنان از من روی گردانند! (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۶)

رعایت عدالت بین فرزندان و عدم تبعیض

یکی از اصول مهم در زندگی فردی و اجتماعی، موضوع رعایت عدالت و انصاف است. خداوند متعال می‌فرماید: اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است و از (معصیت) خدا بپرهیزید که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است. بر اساس این آیه شریفه، عدالت شرط اساسی برای انجام هر برخورد و قضاوتی است که موجب می‌شود حقوق افراد محفوظ بماند. (مانده: ۸)

به این ترتیب می‌توان ادعا کرد که عدالت در برخورد با فرزندان، یکی از اصول اساسی است که در موارد گوناگون باید از طرف والدین و بزرگ‌ترهای خانواده رعایت شود تا جلوی آسیب‌ها و تهدیدهای احتمالی گرفته شود.

قرآن کریم این موضوع را از منظر تربیتی، در داستان حضرت یوسف (ع) بررسی نموده است و به آثار و پیامدهای آن به‌طور مفصل در سوره یوسف پرداخته است، علاوه بر قرآن، معصومین (علیهم السلام) نیز مسلمانان را به شدت از این رفتار در ارتباط با افراد جامعه، به‌ویژه افراد خانواده و فرزندان نهی فرموده‌اند. سکونی از رسول خدا (ص) نقل می‌کند: پیامبر اسلام به مردی نگریست که دو تا پسر داشت، یکی را بوسید و دیگری را رها کرد. پیامبر فرمود: چرا بین این دو برابری نکردی. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۳۲۱)

ابن عباس نیز در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند: در هدیه‌ها و امتیازاتی که به خانه می‌برید، بین فرزندان مساوات برقرار ننمائید... همچنین در روایت دیگری، پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: خداوند دوست دارد، بین اولادتان حتی در بوسیدن هم عدالت برقرار کنید. ابراز محبت به فرزندان نباید تبعیض‌آمیز باشد. اگر واژه ای را در مورد یکی از فرزندان بکار می‌برید، سعی کنید همان لفظ یا مشابه آن را برای دیگران هم بکار ببرید البته باید توجه داشت که تبعیض نکردن و برخورد عدالت‌آمیز، به معنای در نظر نگرفتن تفاوتها نیست. یعنی گاهی ممکن است شرایطی پیش آید که بخواهیم میان فرزندان در موردی تفاوت بگذاریم. در این حالت حواسمان باشد که

تفاوت‌گذاری باید پنهانی و پوشیده از چشم دیگر فرزندان باشد و اگر ناچار هستیم در جلوی چشم بقیه این کار را انجام دهیم، باید برای آن توجیه منطقی داشته باشیم تا فرزندان بدانند که این تفاوت‌گذاری تبعیض نیست. البته اگر والدین دریابند که ممکن است تفاوت‌گذاری منشاء حسادت شود، بهتر است از آن صرف نظر کنند یا با تفاوت‌گذاری برعکس، در جهت خاموش کردن ریشه‌های حسد بهره ببرند. «مسعدة بن صدقه» از امام صادق (ع) نقل می‌کند که پدرم امام باقر (ع) فرمود: من به برخی از فرزندانم نیکی می‌کنم و وی را بر زانوی خود می‌نشانم و فراوان به او مهر می‌ورزم و از او تشکر و قدردانی می‌کنم، در حالیکه این همه نیکی حق فرزند دیگر من است. این کار را از این جهت انجام می‌دهم تا اینکه او را از حسادتی که ممکن است از ناحیه برادرانش مانند برادران یوسف، دامنگیر او شود، حفظ کنم.

ابراز محبت نباید همراه با زیاده روی باشد که موجب گستاخ شدن یا وابسته بار آمدن فرزندان شود. در برابر زیاده روی، مهرورزی نباید ناقص یا همراه با محروم‌سازی باشد. کم گذاشتن فرزندان در مورد نیاز به مهر و محبت، موجب می‌شود که فرزندان کم اراده، کینه ای بار بیابند. امام صادق (ع) می‌فرماید: پست‌ترین پدر و مادرها کسانی هستند که دوستداری و مهرورزی به کودکانشان، آنها را به افراط بکشاند. (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۶)

یکی از موارد افراط‌گرایی این است که کودکی به سن تمیز برسد و پدر و مادر وی به خاطر محبت افراطی، از حلال و حرام الهی، وی را آگاه نکنند. این گونه مهرورزی، در از بین بردن اعتماد به نفس، استقلال شخصیت و کشاندن کودکان به بزهکاری، بسیار مؤثر است. والدین اگر به این پیامدها توجه داشته باشند، هرگز دست به تبعیض نخواهند زد؛ زیرا این روش خطرهایی دارد که متوجه همه افراد خانواده خواهد شد و برای هیچ فردی استثناء قائل نیست. این پیامدها عبارتند از:

- ایجاد خلاء عاطفی بین والدین و فرزندان و کاهش محبت بین آنها و ایجاد کینه و کدورت.
 - احساس ناامنی ناشی از برخورد والدین و احساس کمبود محبت که به افسردگی کودک منجر خواهد شد.
 - کودک به دلیل احساس بی‌مهری حاصل از این طرز برخورد خانواده، به راحتی به سوی دیگران جذب می‌شود.
- این جذبات گاه خسارات جبران‌ناپذیری برای کودک و خانواده به بار می‌آورد.

عفو و بخشش

از شیوه‌های پسندیده که در تقویت عواطف انسانی نقش بنیادی دارد، عفو و بخشش است نبی مکرم اسلام (ص) می‌فرماید: علیکم بالعفو فان العفو لا یزید العبد الا عزا فتعافوا یعزکم الله؛ بر شما باد که عفو و گذشت داشته باشید؛ زیرا عفو و گذشت موجب عزت بنده است، پس نسبت به همدیگر گذشت کنید تا خداوند شما را عزیز کند. (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۱۰۸)

سخت‌گیری نکردن نسبت به رفتارهای فرزندان و عفو لغزش‌های آنان از ناحیه والدین، از جمله عواملی است

که در پرورش کرامت و شخصیت عاطفی مطلوب فرزندان مؤثر است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: خدا رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری فرزند خویش را کمک و او را نیکوکار تربیت کند، سؤال شد چگونه، فرمودند آنچه را که فرزند توان انجام آن را دارد از او بپذیرد و آنچه نمی‌تواند مطلوب عمل کند و یا لغزشی از او صادر می‌شود بر او ببخشد و با سخت‌گیری او را به گناه و نداد و در برابر او مرتکب اعمال خلاف نشود که او بد تربیت گردد. (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۶، ص ۵۰)

شخصیت دادن به کودک

انسان به دلیل داشتن غریزه حب ذات، همواره نیازمند تأیید و توجه مثبت دیگران نسبت به خود می‌باشد و اگر در این توجه خدشه‌ای ایجاد شود، ضربات روحی و عاطفی فراوانی به او وارد می‌شود. کودکان به دلیل لطافت روحی بیشتر اگر مورد توجه و تأیید قرار نگیرند با آسیبهای بیشتری مواجه می‌شوند به همین دلیل بر همه انسانها و خصوصا والدین وظیفه است که شخصیت کودکان را جدی گرفته و به نظر آنها بها دهند، در مقابل از کارهایی که سبب تزلزل شخصیت آنها می‌شود، پرهیز کرد.

از جمله کارهایی که می‌توان برای شخصیت دادن به کودک استفاده کرد، انتخاب کردن نام نیک برای اوست. امام علی (ع) می‌فرماید: نخستین نیکی پدر و مادر به فرزندشان، نام نیکویی است که برای وی برمی‌گزینند (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۶؛ ص ۱۸). نام نیکو، نماد هویت و شخصیت آینده هر فرد است. کودکان در آغاز متوجه معنا و مفهوم نام خویش نمی‌شوند اما پس از اینکه به سن رشد رسیدند، به آن توجه می‌کنند؛ به گونه‌ای که معنا و مفهوم نام هر کس، در خود پنداره وی اثر می‌گذارد. خودپنداره به معنای پندار، برداشت و تصویری است که هر فردی از خود، شایستگی‌ها، ظرفیتها و توانایی‌هایش دارد. این خودپنداره، برآیندی از متغیرهای گوناگون، همانند وراثت، محیط، تربیت، ارتباطات و تعاملها است که همه در نهایت موجب می‌شوند تا هر فرد از خودش یک برآیندی مثبت یا منفی، ارزشی یا ضد ارزشی پیدا نماید. (شاملی، ۱۳۸۳)

نامها باید دارای هدف، معنا و کرامت بخش باشد. پس از گزینش نام، نباید صدازدن فرزندانمان به گونه‌ای باشد که به آنان احساس منفی یا تحقیرآمیز بدهد. نباید با اضافه کردن پسوند یا پیشوندهایی اسم کسی را تحقیرآمیز صدا کنیم. خداوند متعال می‌فرماید: ولا تباذروا بالألقاب؛ بر روی یکدیگر لقبهای زشت نگذارید. (حجرات: ۱۱)

یکی دیگر از رفتارهایی که سبب از بین بردن شخصیت فرزندان می‌شود تمسخر است. تمسخر، یکی از رفتارهایی است که خداوند در سوره حجرات آیه ۱۱ صریحا از این عمل نهی کرده است. والدین باید تلاش کنند علاوه بر این که خودشان کودکان را به مسخره نگیرند، مانع از این شوند که افراد دیگر کودکان را مسخره کنند خصوصا اگر تمسخر در حضور دیگران انجام گیرد، یا کودک به سبب مسائلی، مانند مشکلات جسمی که در آن دخیل نبوده، مورد تمسخر قرار گیرد، آسیب‌رسانی آن به مراتب بیشتر خواهد بود. زیرا علاوه بر تحقیر کودک

، آسیبهای جسمی و روحی از جمله عدم اعتماد به نفس، دور شدن از جمع و اطرافیان، و کینه به دل گرفتن و درصدد انتقام برآمدن از آثار آن است.

هر کودکی ممکن است در رفتار خود اشتباهاتی را مرتکب شوند والدین برای راهنمایی او طوری باید وارد عمل شوند که شخصیت کودک لگدمال سرزنش و تنبیه قرار نگیرد. سرزنش کردن، خصوصاً در سنین کودکی گرچه می‌توان در برخی موارد ثمربخش باشد و از خطاهای بعدی جلوگیری کند، اما اگر در نحوه و شرایط سرزنش دقت نشود، نه تنها فایده‌ای نداشته بلکه کودک را لجباز و گستاخ خواهد ساخت (قائم امیری، ۱۳۸۳، ص ۳۹۹)، که در روایات به این آسیب‌ها اشاره کرده‌اند: *أَلْفِرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يُشِبُّ نَارَ اللَّجَاجَةِ*: زیاده‌روی در ملامت و سرزنش، آتش لجباجت را برافروزد (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴۰۸) *وَ إِيَّاكَ أَنْ تَكْزَرَ الْعُتْبَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُغْرِى بِالذَّنْبِ وَ يُهَوِّنُ الْعُتْبَ*: زنهاریا پرهیز از اینکه عتاب و سرزنش را تکرار کنی که این کار شخص نکوهش شده را بر گناه حریص گرداند و عتاب و سرزنش را سبک و بی‌ارزش کند (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴۰۹) والدین علاوه بر ترک رفتارهای ناشایست اخلاقی، لازم است همت خود را صرف این کنند که با فرزندشان به گونه‌ای سخن بگویند و رفتار داشته باشند که در کودک اعتماد به نفس و شخصیت ثابت و محکمی به وجود آورند. این رفتار را ما در زندگی بزرگان دین مشاهده می‌کنیم. حضرت امام سجاده (ع)، هرگاه می‌خواستند دعا کنند، کودکان خانه را جمع می‌کردند و می‌فرمودند: من دعا می‌کنم، شما آمین بگوئید تا خدا به خاطر آمین شما، دعای مرا مستجاب کند.

شرکت دادن کودکان در مناسبات و مجالس مذهبی موجب می‌شود که آنها را در کارهای بزرگ شریک کنیم تا آنها در خودشان احساس شخصیت کنند و احساس کنند که وجودشان در زندگی مهم و مؤثر است. شنونده خوبی برای صحبت‌های کودک بودن، صبر و حوصله در پاسخ دادن به سؤالات او، با احترام صدا زدن، از او نظرخواهی کردن و کمک گرفتن در کارها متناسب با توان و سن او، همگی در شخصیت دادن فرزند مؤثر است.

توجه به تفاوت‌های جنسیتی فرزندان

فرزندان دختر و پسر، با وجود این که هر دو انسان هستند و از شخصیت و کرامت انسانی برخوردارند، دارای تفاوت‌های روحی و جسمی می‌باشند. والدین لازم است از این تفاوت‌ها آگاه بوده و متناسب با آن در شیوه تربیتی خود دقت داشته باشند. فرزندان دختر به لحاظ جنسیتی از عاطفه و احساسات بیشتری برخوردار هستند و نیازشان به هم صحبتی و محبت‌های کلامی بیشتر از فرزندان پسر است. در بازی کردن، قصه گفتن، سپردن مسئولیت لازم است والدین عواطف دخترانه را در نظر بگیرند و متناسب با آن با کودک خود رفتار کنند یا از او توقع چیزی را داشته باشند.

دختران علاوه بر محبت مادرانه نیاز به محبت و همراهی پدر در خانه و اجتماع دارند. البته این مسئله در رابطه فرزندان پسر هم وجود دارد اما حساسیت این ارتباط در رابطه با دختران از این جهت است که دختر قرار است در آینده مادر و کانون عاطفه در خانواده شود. اگر دختر بی‌محبت و بی‌توجه تربیت شود، فردا که می‌خواهد مادری کند

نمی‌تواند نسبت به فرزندانش درست عاطفه‌پراکنی کند. اگر در محیط خانه یا اجتماع شخصیت دختر مورد تحقیر و سرزنش قرار گیرد، زمانی که بزرگ شد نمی‌تواند فرزندانش را عزیز بدارد. کسی که تحقیر شد، تحقیر می‌کند و با همسر و فرزندانش از روی حقارت رفتار می‌کند، مشکل اجتماعی در ارتباطاتش پیدا می‌کند. بنابراین ویژگی‌های خاصی که مخصوص یک دختر است، انتظار می‌رود که خانواده و جامعه در نحوه رفتاری با فرزند دختر دقت نظر بیشتری به کار ببرند.

صداقت و وفای به عهد

الگو بودن والدین برای فرزندان، این مسئولیت مهم را به عهده آنها می‌گذارد که در شیوه رفتاری خود به گونه‌ای باشند که سبب بی‌اعتمادی دیگران نشوند. والدینی که به راحتی به یکدیگر و حتی فرزندان خود دروغ می‌گویند و به عهد خود وفا می‌کنند به مرور زمان جایگاه امن و اعتماد خود را در نظر فرزندان از دست می‌دهند. و علاوه بر آن کودکان این شیوه رفتاری را از آنها می‌آموزند و در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار می‌برند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۳۰-۲۷)

کودکان از آن جایی پدر و مادر خود را گونه‌ای تصور دارند که همه خواسته‌های آنها فقط توسط والدین برآورده می‌شود، وقتی با بدقولی و عدم صداقت والدین مواجه می‌شوند آسیب‌های عاطفی جدی بر آنها وارد می‌شود. در روایت توصیه شده است «احبوا الصبیان و ارحمهم و اذا وعدتموهم شیئا ففوا لهم فانهم لا یدرون الا انکم ترزقونهم؛ کودکان را دوست بدانید، به آنان مهربانی کنید و هرگاه به آن‌ها وعده دادید وفا کنید؛ زیرا آن‌ها شما را روزی‌دهنده خود می‌دانند. (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۶، ص ۴۹)

عدم صداقت رفتاری از سوی والدین در مواردی مشاهده می‌شود که آنها مرتکب خطا و اشتباهی می‌شوند اما به جای عذر خواهی و ترک آن عمل، دست به انکار می‌زنند. در اقرار کردن، خود می‌تواند بهترین الگو برای فرزندان باشد. آنها از روش برخوردها الگو می‌گیرند. هماهنگی رفتار و گفتار والدین، بهترین و مؤثرترین روش تربیتی است. (قائم‌امیری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۶-۱۷۹)

صبر و مدارا

سعه صدر یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی است که والدین باید به آن آراسته باشند. در بعضی موارد نظیر بازی‌ها و شیطنت‌های فرزند در صورتی که به خود و دیگران آسیب نمی‌زند، دعوای خواهر و برادر، یادگیری درسی فرزندان، داشتن فرزندان معلول جسمی و ذهنی، فرزندان که به نوعی دچار اختلال رفتاری و روانی شده‌اند، لازم است والدین، سعه صدر بیشتری داشته باشند. در زمان پیامبر اکرم (ص) تعدادی از مادران به حضرت مراجعه کرده و از شیطنت فرزندان خود به ایشان شکایت می‌کردند. حضرت به این مادران فرمودند: «عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ زِيَادَةُ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ؛ شیطنت و لجاج و ستیزه‌جویی کودک، در دوران خردسالی او، نمایان‌گر فزونی عقل و اندیشه

او در بزرگسالی است (پابنده، ۱۳۶۴، ص ۵۶۴) همچنین امام موسی کاظم ع فرمودند: «تُسَخِّبُ عَزَامَةَ الْغُلَامِ فِي صِبْغِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ؛ چه خوب است که فرزند در خردسالی بازیگوش و پرتلاطم باشد؛ این رفتار نشانه حلم و خویش‌داری او در بزرگسالی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷، ص ۳۶۱). صبر والدین در برابر اقتضانات سنی فرزندان، ضمن آنکه موجب پرهیز از خشونت می‌شود، توانمندی فرزندان را در حل مسائل آینده به دنبال خواهد داشت. به عنوان مثال در چالش‌ها و دعوای بین خواهر و برادر، آنها دفاع از خود را یاد می‌گیرند و قدرت حل مسئله را پیدا می‌کنند..

کودکان چون هنوز هنجارها و معیارهای زندگی بزرگسالان را در جامعه نشناخته‌اند یا پدر و مادر نتوانسته‌اند این هنجارها یا انتظارات را به فرزندان منتقل کنند، در این صورت باید با آنان کنار بیایند تا فرزندان به تدریج فرایند درونی سازی و آموزش هنجارها را پشت سر بگذارند. معمولاً والدین با دیدن مخالفت یا بیخیالی فرزندان از آنان رنجیده شده و نگران و عصبانی میشوند.

پرهیز از افراط و تفریط

از اصلی‌ترین مسائلی که در تربیت کودکان باید نسبت به آن دقت داشت این است که والدین در به کار بردن اصول تربیتی لازم است شیوه اعتدال را در پیش بگیرند و از افراط و تفریط پرهیز نمایند.

با وجود این که کودک نیاز به محبت و احترام و شخصیت دارد نباید در محبت کردن به او زیاده روی کرد، زیرا همان طور که کوتاهی در محبت، آسیب‌های عاطفی از خود به جای خواهد گذاشت، زیاده روی در محبت سبب می‌شود که فرزندان بهانه گیر و متوقع و خودخواه تربیت شوند و در زندگی شخص و اجتماعی خود با طرد دیگران مواجه شوند.

نتیجه‌گیری

تربیت کودک با توجه به لطافت روحی او و حساسیت این دوران، مسئولیت سنگینی را بر عهده والدین می‌گذارد. والدین در این جهت لازم است، اطلاعات و مهارت‌هایی را در جهت تربیت صحیح فرزندان به کار ببرند. یکی از نکات قابل توجه در مسئله تربیت کودکان توجه به نیازهای عاطفی آنهاست. نیازهایی چون محبت، احترام، هم‌صحبتی، بازی کردن، والدین با شناخت این نیازها و به کار گرفتن شیوه اعتدال و پرهیز از هرگونه افراط و تفریطی، با رعایت صبر و مدارا و به دور از خشونت می‌توانند به کودک خود شخصیت داده و نیازهای عاطفی او را برآورده کنند. وحی او در دوران کودکی و حتی بزرگسالی می‌گردد. اما هر گونه کوتاهی در رابطه با این مسئولیت از سوی جامعه و خانواده سبب می‌شود، کودک با آسیب‌های روحی و روانی مواجه شود. و در برخی موارد علاوه بر این که برای خودش مشکلاتی ایجاد می‌کند، سبب به وجود آمدن مشکلاتی برای جامعه و اطرافیان می‌گردد.

منابع

- قرآن کریم.
- صحیفه سجاده.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۷۳)، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه محمد خوانساری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بابایی، ابوالفضل و راضیه علی اکبری، (۱۳۹۸)، *آسیب‌شناسی رفتارهای متضاد والدین در تربیت فرزندان*، ره توشه ماه محرم.
- پاک‌نیا، عبدالکریم، (۱۳۸۴)، «شیوه‌های اصلاح رفتار کودکان و نوجوانان در فرهنگ اهل بیت»، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۲۸۱.
- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۶۴)، *نهج‌الفصاحه*، تهران: انتشارات جاویدان.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ق)، *وسایل‌الشیعه*، بیروت: آل‌البیت.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۸)، *درسنامه اخلاق خانوادگی*، تهران: انتشارات دریا.
- شاملی، عباسعلی، (۱۳۸۳)، «فرآیند تربیت فرزندان در اندیشه دینی»، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۴.
- صدوق، محمدبن علی، (۱۴۰۴ق)، *عیون اخبار الرضا(ع)*، انتشارات الاعلمی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۵)، *سنن‌النبی*، تهران: اسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۲)، *مکارم‌الاخلاق*، ج ۱، تهران: مؤسسه الاعلمی.
- _____، (۱۴۱۴ق)، *مکارم‌الاخلاق*، ج ۱، قم: اسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۵)، *التهدیب*، ج ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قائمی امیری، علی، (۱۳۶۶)، *خانواده و مسائل جنسی کودکان*، تهران.
- _____، (۱۳۸۳)، *خانواده و مسائل همسران*، تهران: انتشارات امیری.
- قلی‌زاده کلان، فرض‌الله، (۱۳۷۷)، «کودکان آینه رفتار والدین»، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۱۸۳ و ۱۸۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۴۴)، *اصول کافی*، تهران: علمیه اسلامیه.

- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، دارالکتب الاسلامیه.
- محدث نوری، حسین، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۴، قم: آل‌البیت.
- نوری طبرسی، حسین، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: آل‌البیت لاحیاء التراث.
- هیشمی، علی بن ابی بکر، (۱۴۰۸ق)، *مجمع الروائد و منبع الفوائد*، بیروت: دارالکتب علمیه.
- یوسفی، محدثه، (۱۳۹۵)، «نگاهی اسلامی به تربیت کودک از طریق بازی»، مجله فرهنگی پژوهش، شماره ۳۵۲۸، ص ۱۶۱-۱۹۵.